

## تأثیر مهرپرستی بر مسیحیت

حسین علی جعفری<sup>۱</sup> و سحر دادفر<sup>۲</sup>

### چکیده

مهر، میترا یا میتره از ایزدان باستانی آریایی یا هندوایرانی پیش از روزگار زرتشت است که معنی عهد و پیمان و محبت و خورشید نیز می‌دهد که پس از ظهور حضرت زرتشت و رواج دین زرتشتی، یکی از ایزدان یا فرشتگان دین مزدیسنا گردید. دین مهرپرستی یا میترائیسم و دین مسیحیت همانندی‌های بسیاری دارند؛ امروزه محققان معتقدند که مسیحیت غرب چارچوب اصلی خود را که به این دین پایداری و شکل بخشیده، به ادیان پیش از مسیحیت روم باستان از جمله میترائیسم، مدیون است. در قرن‌های ابتدایی پس از میلاد مسیح، میترائیسم رقیب بسیار سرسخت مسیحیت بود؛ چرا که در آن زمان میترا تنها ناجی و نشان‌دهنده راه و آئین زندگی بود. بی‌گمان، به دلیل حضور موازی دو دین قدرتمند در یک زمان و در یک محدوده جغرافیایی، ۲۵ دسامبر روز تولد میترا، روز تولد مسیح شد و درست از همین جا نفوذ ایده‌های میترایبی بر مسیحیت آغاز شد. به غیر از آن، تولد مسیح از مادری باکره، مراسم غسل تعمید، جشن عروج، افسانه نان و شراب یا شام آخر و مراسم عشاء ربانی و گرامی‌داشت روز یکشنبه، از جمله تأثیراتی است که دین میترائی بر مسیحیت گذاشته است. این مقاله قصد دارد به تأثیر دین میترائی یا مهرپرستی بر دین و آیین‌های مسیحیت بپردازد.

**واژگان کلیدی:** میترائیسم، مسیحیت، روم، مهرپرستی، ایران باستان.

<sup>۱</sup> دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، تهران، ایران  
<sup>۲</sup> آموزگار، اداره آموزش و پرورش شهرستان دماوند، دماوند، تهران

## مقدمه

کلمه میترا یا مهر را جیمز دارمستتر<sup>۱</sup> به معنی دوستی و محبت می‌داند؛ در گاتها کلمه میترا به معنی عهد و پیمان آمده است. مهر در اوستا از آفریدگان اهورامزدا محسوب شده و ایزد محافظ عهد و پیمان است. در کتیبه‌های هخامنشی نیز این اسم به املاء و تلفظ اوستایی آن، میثر Mithra آمده است. در سانسکریت، میترا و در پهلوی Mitr و در فارسی مصطح امروز، مهر خوانده می‌شود. میترا یعنی خدای خورشید، خدایی که در خورشید جای دارد، نه خود خورشید. میترا، خداوند آبها و دریاها نیز هست. در کتاب اوستا، در یسنای چهل و ششم، بند پنجم نام این خدای باستانی آمده است؛ یشت دهم، یعنی مهریشت نیز به نام او شده است. اما در سابقه‌ای کهن‌تر، در ودای برهمنان هندویی نیز از وی به عنوان خدایی بزرگ یاد شده است و پیش از آن در کتیبه‌ای متعلق به چهارده قرن پیش از میلاد نیز نام میترا آمده است. چنین به نظر می‌رسد که قبل از جدا شدن دو تیره هند و ایرانی از یکدیگر، تفاوتی میان دو گروه عمده از خدایان آنها بوده است؛ یک گروه را دَوا «Daiva» می‌خواندند و گروه دیگر را آسوره «Asura» «به ایرانی اهورا Ahura» می‌گفتند و بزرگترین آنها وارونه «Varuna» و میترا «Mitra» بود.<sup>۲</sup> مهر در اساطیر هند و ایرانی، برکت‌بخش و شریک در فرمانروایی جهان و نگاهبان پیمان است و بعدها در پی دگرگونی‌های اجتماعی، به ایزد پاسدار و پشتیبان همه گروه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود و گذشته از خویش‌کاری‌های دیرینه، نگاهبانی او از راست‌گویی و درست‌پیمانی گسترش می‌یابد.<sup>۳</sup> ستایش و نیایش ایزد مهر در اساطیر و آیین‌های دینی هند و ایرانی جای والایی داشته و بعدها کیش جداگانه‌ای به نام «مهرآیینی» یا «میترایسم» از آن پدید آمد و در بخش بزرگی از آسیا و اروپا گسترش یافت. بسیاری از نهادهای دینی مسیحیان و پاره‌ای از جنبه‌های ادیان دیگر، اقتباس از بنیادهای مهرآیینی است. بازمانده «مهراب = مهرابه»‌های کهن را در زیر بسیاری از کلیساها و در ترکیب دیگر پرستش‌گاه‌های کنونی و پیکره بزرگ ایزد مهر را در موزه کلیسای سن‌پیترو واتیکان در رم و در دهها کلیسا و موزه و مراکز علمی و هنری دیگر، تا به امروز می‌توان دید.<sup>۴</sup> دین مهر در مسیحیت تأثیر بسیاری گذاشته است و حتی بعضی‌ها بر این عقیده‌اند که اگر ما بخواهیم این دو را از هم جدا کنیم، از دین مسیحیت چیز زیادی باقی نمی‌ماند در مورد رابطه این دو دین یعنی **مهرپرستی و مسیحیت**، باید گفت که از نیمه نخست قرن اول میلادی به تدریج پیروان دین مهر در اروپا آیین‌شان را آشکار کردند.

۱. James Darmesteter.

۲. Gh. Gnoli, "Sol Persice Mithra," in U. Bianchi, ed., *Mysteria Mithrae*, Leiden, ۱۹۷۹, pp. ۷۲۵-۴۰.

۳. دوستخواه، جلیل؛ اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۰۵۶.

۴. N Sims – Williams, "Fitudes mithraiques", Cambridge University Press, ۱۹۷۹, V ۶, P ۵۶۵.

یکی از پادشاهانی که در روم دین مسیحیت را پذیرفت، نرون بود که به دین مهر نیز گروید و این دین آرام آرام در اروپای مرکزی رواج یافت و کم‌کم به شمال بالکان رسید. در این هنگام این دو دین با هم تشابهاتی پیدا کردند و به‌خاطر همین تشابهات بود که مهرپرستان دین مسیحیت را به‌راحتی پذیرفتند؛ بدون اینکه احساس کنند از دین اصلی خودشان فاصله گرفته‌اند. مهرپرستی یا میترائیسم، آیینی رازآمیز بود که بر پایه پرستش ایزد ایرانی، خدای خورشید، عدالت، پیمان و جنگ، یعنی میترا یا مهر، در دوران پیش از پیامبری زرتشت بنیان نهاده شد. در دوران پانصد ساله حکومت پارت‌ها (اشکانیان)، مهرپرستی آیین رسمی امپراتوری ایران بود و دست کم یک قرن پیش از تولد مسیح، لژیون‌های رومی که با پارت‌ها می‌جنگیدند، آیین میترا را که با سنت‌های ملی و آرمانی آنان سازگار بود با خود به روم بردند. در قرن دوم پس از میلاد مسیح نیز، کمدیوس امپراتور روم رسماً آیین میترا را پذیرفت (توجه کنید که تا آن زمان، مسیحیت هنوز رواج پیدا نکرده بود). در زمان امپراتورهای بعدی، اورلیانوس و کلسیانوس، مهرپرستی همچنان دین رسمی روم بود و مهرابه بسیار بزرگی در نزدیکی شهر وین ساخته شد؛ در حال حاضر بقایای چند صد مهرابه در سرزمین‌های امپراتوری باستانی روم (ایتالیا، فرانسه، انگلیس، اسپانیا، آلمان، بلژیک، سوییس، اتریش، مجارستان، رومانی، بلغارستان و کشورهای بالکان، یونان، ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن، مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش) همچنان به‌جای مانده است. به‌طور کلی با مطالعه آیین‌های مهرپرستی یا میترائیسم رومی و مسیحیت، شباهت‌های بسیاری بین این دو کیش نمایان می‌شود.<sup>۱</sup> به‌عنوان مثال، در اواخر قرن نوزدهم میلادی، فرانتس کومن باستان‌شناس مشهور بلژیکی، طی اکتشافات و تحقیقات بسیار در سوریه و ترکیه، موفق به کشف نقش و نگارها و کتیبه‌هایی در بناهای تاریخی این مناطق گردید و با تکیه بر آنها شباهت‌های بسیار میترائیسم در غرب و دین زرتشتی در ایران را مطرح نمود و به پدر پژوهش مدرن میترائیسم شهرت یافت. بعدها پس از اکتشافات بسیار دیگر در سرزمین‌های متعلق به روم باستان با استفاده از تکنیک‌های حفاری و بازسازی مدرن در قرن بیستم، فرانتس کومن در سال ۱۹۵۴، رم پایتخت روم باستان را به‌خاطر اکتشافات فراوان آثار میترائی و مهرابه‌ها، در محوطه داخل و اطراف شهر، پایتخت میترائیسم نامید و انبوه این اکتشافات، بر اهمیت درک رابطه دین میترائیسم و مسیحیت افزود. تأویل و تفسیر کومن و محققان هم‌عقیده او، از این شباهت‌ها این است که هر دو دین میترائی و مسیحیت با خاستگاهی شرقی به هدف استیلای فرهنگی و حکومت بر جهانی پهناور، به ستیز و رقابت با یکدیگر پرداخته و در در طول چهار قرن نبرد

۱. رجبی، پرویز؛ هزاره‌های گمشده، تهران، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۴، ص ۶۳.

با وجود شکست میترائیسم در برابر مسیحیت، این دین و دیگر دین‌های رازآمیز مغلوب، تمام رمق و شکل و اندیشه و چارچوب نمادها و رموز خود را به مسیحیت واگذار کردند<sup>۱</sup>.

هشت تن از یاران او بر فراز کوه‌ها، همچون دیده‌بانان مهر بر بالای برج‌ها نشسته‌اند و نگران مهر دروچانند.

آنان به‌ویژه به کسانی چشم دوخته‌اند و نگرانند که نخستین بار پیمان شکنند. آنان راه کسی را در پناه خویش گیرند که به مهر دروچان و دروندان و کُشندگان اَشَوَنان تاخت برَد.

**(اوستا، یشت‌ها، یشت دهم، کرده دهم، بنده ۴۳)**

### میترائیسم و مسیحیت

باور سنتی مبنی بر ارتباط دو دین مسیحیت و میترائیسم تا پیش از شروع میتراپژوهی معاصر بر احکام مجادله‌آمیز پدران کلیسا استوار بوده است. از هنگام متهم نمودن پیروان میترائیسم به تقلید اهریمنی از مسیحیان توسط ژوستین در اواسط قرن دوم میلادی، این دو دین به‌عنوان دو رقیب در معارضه و ستیز به هدف حکومت بر دنیای مغرب زمین، شناخته می‌شدند. چنان‌که ارنست رنان در کتاب *مبدأ مسیحیت* خود به سال ۱۸۸۲ میلادی عنوان داشت: «اگر واقعه مهلکی سد راه پیشرفت مسیحیت می‌گردید، دنیا میتراپی می‌بود.» با این حال دانش اندکی تا به آن سال در خصوص میترائیسم وجود داشت.<sup>۲</sup>

در روم باستان، در واپسین سال‌های پیش از میلاد مسیح، هجوم خدایان جدید سال به سال افزایش می‌یافت؛ از جنوب ایتالیا، پرستش **فیثاغورس** با سبزی‌خواری و تناسخ آمد؛ از هیراپولیس، آتارگاتیس که رومیان او را به‌عنوان الاهی سوری می‌شناختند، **زئوس دولیخه** و خدایان غریب دیگری آمدند. پرستش این خدایان را بازرگانان و بردگان سوری پراکندند و عاقبت یک کاهن جوان بعل سوری به‌عنوان آلابالوس، یا پرستنده خدای آفتاب بر تخت نشست. از پارت که دشمن روم بود، کیش خدای دیگری به نام میترا یا مهر آمد و پرستندگان آن سربازانی بودند که در جنگ جهانی عظیم بین نور و ظلمت، یا خیر و شر، در طرف نور یا خیر می‌جنگیدند. این کیش، کیش مردانه‌ای بود که مردان را بیش از زنان به خود جذب می‌کرد و برای لژیونهای رومی که در مرزهای دوردست مقیم بودن و صدای خدایان بومی خود

۱. Christianity. In Britannica *Encyclopædia*. Retrieved June ۲۸, ۲۰۰۸, from Encyclopædia Britannica online.

۲. Ernest Renan, *The History of the Origins Christianity*, Matieson & Company, London, ۱۸۷۵.

را نمی‌شنیدند، خوشایند بود. از یهودا، یهوه آمد و آن موحدی بود که هرگونه سازشی را نمی‌پذیرفت و دشوارترین زندگی آمیخته به تقوا و مقررات را مقرر می‌داشت؛ اما به پیروان خود اصول اخلاقی و شجاعتی می‌بخشید که در رنج و عذاب از ایشان حمایت می‌کرد و زندگی افتاده‌ترین فقیران را با نوعی لباس نجابت و بزرگ‌منشی می‌پوشاند. در میان یهودیان رومی که به یهوه نماز می‌بردند، عده‌ای بودند که هنوز به نحوی مبهم از دیگران مشخص می‌شدند و این عده، پسر جسم‌دار<sup>۱</sup> و زنده شده‌ او را می‌پرستیدند.<sup>۲</sup>

در قرن‌های ابتدایی پس از میلاد مسیح، میترائیسم رقیب بسیار جدی مسیحیت بود؛ چرا که در آن زمان میترا تنها ناجی و نشان دهنده راه و دین زندگی بود. به دلیل حضور موازی دو سیستم قوی دینی در یک زمان و در یک محدوده جغرافیایی، ۲۵ دسامبر، روز تولد میترا، روز تولد مسیح شد و درست از همین‌جا نفوذ ایده‌های میترائی به مسیحیت آغاز شد.<sup>۳</sup>

در آغاز، قسمت عمده دین مسیحیت را میترائیسم تشکیل می‌داد؛ ولی به مرور زمان هنگامی که موقعیت دین رسمی امپراتوری روم را پیدا می‌کند، جریان تصفیه ایده‌های شرقی شروع می‌شود. حتی سرودهای مذهبی پارسی که در آن آشو زرتشت، تولد ناجی، یعنی حضرت عیسی را پیش‌گویی کرده و به تعمیم او نیز اشاره شده و در انجیل هم آمده، قانونی و مقدس به حساب نیامدند.<sup>۴</sup>

از قرن چهارم میلادی، مسیحیت دچار تضادهای داخلی و مبارزات بی‌رحمانه و سخت داخلی برای حفظ حقوق احکام و انجیل می‌شود و دین مسیحیت با ترس شدید از نابودی روم در مقابل پارس‌ها با آنکه منشعب از میترائیسم با ریشه‌های زرتشتی بود، کوشش می‌کند خود را مستقل کند.<sup>۵</sup>

امپراتوری روم به سبب جنگ با امپراتوری پارس یعنی ایران، مهد میترائیسم را دشمن همیشگی و جدی خود می‌دانست و به همین دلیل احساس نیاز به ایدئولوژی مستقل دولتی، برای مقابله با هرگونه تأثیر از سوی ایران و ایده‌های شرقی رشد می‌کند و مسیحیت چون پدیده‌ای نو، پیروزی خود را جشن می‌گیرد. از قرن چهارم میلادی، زروانیسم، اعتلای خود را در زمان ساسانیان کسب می‌کند و به دنبال آن دوران طلایی ستاره‌شناسی، ریاضیات، ادبیات، معماری و زندگی روحانی درون ایران، خطر جهانی

۱. اشاره به عیسی پسر مریم است.

۲. ویلیام جیمز، دورانت، جمعی از مترجمان؛ تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰، ج ۳، ۴۵۹.

۳. رجیبی، پرویز؛ هزاره‌های گمشده، تهران، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۴، ص ۷۴.

۴. رضی، هاشم؛ پژوهش‌هایی در تاریخ و آیین واز آمیز میترائی در شرق و غرب، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۱، ص ۴۱.

۵. شورتهایم، المار، ترجمه: نادرقلی درخشانی؛ گسترش یک آیین ایرانی در اروپا، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱.

شدن پیدا می‌کند که این برای امپراتوری روم خطری جدی محسوب می‌شد. از اینجاست که امپراتوری روم کوشش می‌کند با ایدئولوژی و کلیسای سازمان یافته خود، در برابر دین قوی زرتشتی مقاومت کند.<sup>۱</sup> هر دو امپراتوری روم و ایران به خدای خورشید، میترا می‌شکست‌ناپذیر، معتقد بودند و خود را بنده خدا، پدر میترا می‌دانستند و این به معنای پیوند روحانی دو دولت قوی غرب و شرق بود و می‌توانست به ایجاد تشکیلات واحد سیاسی - دولتی دو امپراتوری عظیم منجر شود. اگر این اتفاق می‌افتاد، شاید تاریخ جهان سرنوشتی دیگر پیدا می‌کرد و به تکامل خود می‌رسید.<sup>۲</sup>

کنستانتین اول، امپراتور مسیحی که به تحکیم ایدئولوژی امپراتوری معتقد بود، به خوبی می‌فهمید که به کمک میترائیسم این کار عملی نیست و خطرناک جلوه می‌کند. از طرفی میترائیسم به عنوان سازنده ساختار خشک و بسیار منظم، به سلسله مراتب سخت وفادار بود و برای رسیدن به پله جدید، نیاز به مردانگی عظیم و قهرمانی شخصی بود و بدین ترتیب روز به روز از تعداد پیروانش کاسته می‌شد.<sup>۳</sup> مسیحیت از این نظر بیشتر مردمی بوده و هر کدام از اسقف‌ها می‌توانستند پایه‌گذار جریان نوی مسیحیت باشند. با نتیجه‌گیری از اساس تئوریک، با توجه به عقاید و نظرهای شخصی و با استفاده از قدرت و نفوذ مادی و معنوی خود بین پیروان، برای ارضای منافع شخصی و کلیسا که هیچ ارتباطی با آموزش پاک عیسی نداشته است، تاریخ مسیحیت، انباشته از خرافات متنوع و مسائل من‌درآوردی رنگارنگ، از ایده‌های شرقی دور می‌شود و پیچیدگی مرموز فقهی پیدا می‌کند و خطر افتادن به دام صوفیسم تهدیدش می‌کند.<sup>۴</sup>

میترائیسم سفت و سخت به بروز مسائل از خود ساخته، گمراهی و کفر امکان حضور نداد و حتی در محیط جنگی که میترائیسم در آن رشد کرده بود، نتوانست صحنه شرط‌بندی فقهی شود. در صورتی که مسیحیت به عنوان یک ایدئولوژی همه‌کاره به مردم اجازه داد با اعتقادات و نظرات کاملاً مختلف و متنوع، زیر نشان عیسی مسیح، پیرو و هوادار باقی بمانند. این شرایط، نقش بسیار عمده‌ای را در گسترش و توسعه کلی دین مسیحیت ایفا کرد.<sup>۵</sup>

۱. کومن، فرانتس، ترجمه: هاشم رضی؛ آیین پر رمز و راز میترا، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۰، ص ۹۹.

۲. ورمازن، مارتین، ترجمه: بزرگ نادرزاده؛ آیین میترا، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۲، ص ۸۷.

۳. لویی، گاسکه، ترجمه: جلال ستاری؛ پژوهشی در کیش و اسرار میترا، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱.

۴. همان.

۵. اولانسی، دیوید، ترجمه: مریم امینی؛ پژوهشی نو در میتراپرستی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹.

بدین ترتیب میترائیسم با ریشه‌های ایرانی به‌عنوان دین رسمی دولتی، که روم را از قدرت جهانی محروم کرده، برای رومی‌ها غیر خودی و نامفهوم باقی می‌ماند.<sup>۱</sup> دین زرتشت در زمان ساسانیان، موقعیت ایدئولوژیکی دولتی داشت، درحالی‌که روم فاقد چنین ایدئولوژی‌ای بود؛ درحالی‌که نیاز به آن ایدئولوژی در آن زمان بسیار محسوس بود.<sup>۲</sup> کنستانتین نیز تمام نیرو و توان خویش را بر مسیحیت متمرکز کرد، با این هدف که روم نسبت به ایران استقلال ایدئولوژیکی و مذهبی پیدا کند.<sup>۳</sup> میترائیسم تأثیر بسیار گسترده‌ای بر مسیحیت گذاشت، ولی به دلایل تاریخی، ایدئولوژیکی و سیاسی از بین رفت و جای خود را به مسیحیت داد. اگر فاکتورهای سیاسی پیش نمی‌آمد، نه فاکتورهای تاریخی و نه ایدئولوژیکی نمی‌توانستند مشخص کنند در مبارزه بین دو دین زرتشتی و مسیحیت، کدام‌یک پیروز از میدان به در می‌آید. برای پیروزی در جنگ‌های دائمی با ایران، طبیعی بود که میترائیسم به هیچ‌عنوان نمی‌تواند دین رسمی و دولتی امپراتوری روم شود و خواسته‌های سیاسی دولت را در این مسیر ارضا کند.<sup>۴</sup>

ولی به هر صورت، مسیحیت در بسیاری از مسائل و مراسم دینی و مذهبی مدیون میترائیسم باقی می‌ماند و در آیین دینی و مذهبی اروپا ریشه‌های شرقی نفوذ کرده و جای می‌گیرد.<sup>۵</sup> برای نمونه، تثلیث در هر دو دین وجود دارد. آیین‌های میتراپی به‌طور مخفیانه و در سرداب‌ها تشکیل می‌شد و مهرابه‌ها نیز به شکل غار بنا شده و در آن دخمه‌ها مراسم اسرارآمیز دینی، برگزار می‌گردید. مراسم تطهیر و غسل تعمید نیز در هر دو دین مشترک بود. افروختن شمع در کلیساها، نواختن ناقوس، وجود حوضچه آب مقدس در ورودی کلیساها و سرود دسته‌جمعی به همراه نواختن موسیقی، از شباهت‌های مراسم میترائیسم و مسیحیت هستند. مراسم شام آخر یا عشاء ربانی یا اوکاریست و تناول نان و شراب در دو دین مشترک است؛ دوازده مقام میتراپی و دوازده فلک یاور میترا به حواریون دوازده‌گانه عیسی تغییر یافتند. روز یکشنبه (مهرشید در فارسی) به نام روز خورشید، چنانکه از نام آن پیداست، روز ویژه مهرپرستان بود که در مسیحیت نیز به همین شکل است؛ رهبانیت و ریاضت در دین میتراپی وجود داشت و به مسیحیت نیز راه یافت. مسیح و مهر هر دو در رستاخیز ظهور نموده و اعمال انسان‌ها را

۱. رضی، هاشم؛ *ادیان بزرگ جهان*، تهران، انتشارات آسیا، ۱۳۴۴، ص ۷۱.

۲. رضی، هاشم؛ *ادیان بزرگ جهان*، تهران، انتشارات آسیا، ۱۳۴۴، ص ۷۳.

۳. رضی، هاشم؛ *پژوهش‌هایی در تاریخ و آیین رازآمیز میتراپی در شرق و غرب*، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۱، ص ۶۱.

۴. اولانسی، دیوید، ترجمه: مریم امینی؛ *پژوهشی نو در میتراپرستی*، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸.

۵. رضی، هاشم؛ *ادیان بزرگ جهان*، تهران، انتشارات آسیا، ۱۳۴۴، ص ۸۳.

داوری می‌کنند؛ اعتقاد به روح، جاودانگی و قیامت از موارد مشترک بوده؛ همانگونه که مهر میانجی میان خداوند و بشر است، مسیح نیز واسطه خدا و انسان است؛ گفته می‌شود نشان هلال ماه بالای هفت شاخه شمعدان در برخی از کلیساها یاری‌گر این نظر است، از آن‌رو که ماه در دین میترا نقش نمادین مهمی دارد؛ مقام هفتم از دین میترا مقام پدر پدران است که به دین مسیح راه یافته و کشیشان پدران مقدس و پاپ پدر پدران نام گرفتند. مهر در برج حمل، بره به دوش دارد و عیسی نیز بره‌ای در آغوش گرفته است. سرانجام روز تولد مهر یا خورشید شکست‌ناپذیر همان روز انقلاب زمستانی در روم، بیست و پنجم دسامبر بود که در سده چهارم میلادی روز میلاد مسیح تعیین شده و به عید کریسمس و تولد مسیح شهرت یافت.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب می‌توان گفت:

- ۱- میترائیست‌ها خدای نور و ناجی بشریت را در میترا دیدند؛ مسیحی‌ها نیز همان را در مسیح.
- ۲- میترا پسر خداست؛ مسیح نیز همچین.
- ۳- میترا از مادر باکره متولد شد؛ مسیح نیز. داستان تولد عیسی، همان داستان تولد میترا است.
- ۴- میترا در غاری تاریک به دنیا آمد و اولین کسانی که فهمیدند، چوپان‌ها بودند که به‌عنوان هدیه طلا، مواد معطر و خوشبو آوردند؛ این همان داستان انجیل است.
- ۵- میترا همچون عیسی، واسطه بین خدا و مردم است.
- ۶- میترا و عیسی، هر دو مجری خواسته‌های پدر و فرستاده‌های او بر روی زمین هستند، با این تفاوت که عیسی پسر یهوه و میترا پسر خداست؛ یهودی‌ها، یهوه را همان خدا می‌دانستند که در انجیل آمده است.
- ۷- مأموریت میترا، مبارزه با اهریمن، شیطان و بندگان شیطان است و وقتی در آخرین روز هستی برای داوری بشریت می‌آید، پیروزی نهایی از آن نور و خوبی، و شکست برای تاریکی و ظلم است؛ و این از نظر مسیحیان وظیفه عیسی است.
- ۸- عروج میترا به درگاه خداوند پس از آخرین مأموریت‌هایش بر روی زمین، بسیار شبیه داستان عیسی است؛ اجرا کننده دستورات پدر بر روی زمین و بازگشت او به آسمان.
- ۹- نشانه‌گرایی میترائیسم در مسیحیت رخنه کرده؛ مثل صلیب یا چلیپا. میترائیستها صلیب را در دایره (سمبول قدیمی خورشید) رسم می‌کردند و چهار گوشه صلیب، همان نقطه اساسی و بنیادی راه و

۱. *Encyclopædia Britannica*, Retrieved June ۲۸, ۲۰۰۸, Internet address website.



حرکت سالانه خورشید است. دو نقطه اعتدال ایام (روز و شب) و دو نقطه انقلاب خورشیدی. در مسیحیت، صلیب نشانه رنج و مقاومت شد با اینکه خورشید را در خود حفظ کرد.

۱۰- جشن مقدس تولد میترا (شب یلدا)؛ میترا در تاریک‌ترین شب سال در تاریک‌ترین غار که نشانه تولد نور و پیدایش امید و نشانه زایش دوباره طبیعت است، متولد می‌شود. جشن تولد عیسی نیز درست در همین شب (۲۵ دسامبر، کریسمس) در زمان انقلاب خورشیدی زمستانی است.

۱۱- نشانه‌های خورشید، صلیب در دایره را می‌توان در صحنه‌های غذاخوری مقدس (تغذیه تقدیس) میترا دید. مراسم نان گرد در کنار میترا که به چهار قسمت تقسیم شد؛ نان و شراب شیرین، مراسم مقدس میترائیست‌هاست و نشانه سفره پر برکت میترا و مددیاران اوست. نشانه‌های خوشبختی در زندگی آینده و جاودانی در پادشاهی میترا، که در مسیحیت نیز دقیقاً همان‌گونه است؛ با این تفاوت که نان، نشان پاره‌های تن عیسی است و شراب شیرین نشان خون او و نشانه سفره پر برکت مسیح. بار عاطفی این مراسم، مانند خاطره‌ای است از آخرین شام عیسی با حواریون.

۱۲- غسل تعمید که از نظر بندگان کیش میترا، شست و شوی انسان از گناهانش بود، چون اعتراف به گناهان و بخشش گناهان گناه‌کاران در میترائیسم با همان شکل به مسیحیت منتقل شده است. این مراسم که اساس دین میترائیسم بود به صورت سنت اصلی مسیحیت درآمد.

۱۳- بالاترین مقام در مراتب هفت‌گانه میترائیسم پدر یا مرشد ویا پیر است که در مسیحیت به پاپ تبدیل شده است.

۱۴- مفهوم کلیسای جنگجو و جنگنده<sup>۱</sup> نیز از میترائیست‌هاست. سازمان پیشرفته کلیسای مسیحیت در بسیاری از مسائل یادآور سیستم خوش قد و قامت و منظم میترائیست‌هاست.

۱۵- مقام برتر کلیسای کاتولیک همچون تصویری از پله‌های برتر و مقدس میترائیسم به همان نام خوانده شد: پدر، پاپا، پاپ، پادر (در واتیکان). سران مذهبی میترائیسم خواستار نظم سفت و سخت از طرف پیروان بودند.

۱۶- روزه‌ها، خویشن‌داری‌ها و ... میترائیسم به‌عنوان دین مردانه، دین جنگجویان شد و به همین دلیل موفقیت‌های بی‌شماری را در بر داشت. از شمال گرفته تا اورلیان، گالیان و دیوکتیان. در زندگی غیر جنگی نیز، میتراپرستی مهم‌ترین وسیله حفظ آرامش در جامعه به‌عنوان تنه استوار و بنیادی دولت بود.

---

۱. Church of St. John the Warrior.

۱۷- تا به امروز مقامات ارشد مسیحی کلاهی دارند به عنوان لقب دینی به نام میترا که از پارسیان به ارث برده‌اند. همچنین **میترا پولیت** که درجه برتر در کلیسای کاتولیک است و واژه **متروپولتین** شهر میترا، شهر خورشید را که محل زندگی مردم است، پایتخت می‌دانستند.<sup>۱</sup>

دین مسیحیت با این که با توجه به تعصبات دینی و مذهبی بین طرف‌داران، با تکیه بر اعتقاد و آمل و افکار دینی، صریحاً خود را از دیگر ادیان دور کرده و برخلاف یهودیت سعی نکرده بود خود را از عناصر بت‌پرستی و خرافات دیگر ادیان بری سازد، سرشار از تأثیرات میترائیسم باقی مانده است.

دین میترا که از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح بین آریایی‌ها به‌عنوان خداوند پیمان<sup>۲</sup> رواج داشته، در سال ۶۶ میلادی در دیدار **تیرداد شاه و نرون**، به نرون معرفی و تا سال ۳۲۵ میلادی، دین رسمی امپراتوری روم بود.<sup>۳</sup> این دین در قرن یکم میلادی، در زمان امپراتوری اشکانی از طریق ارمنستان و استان پونتس<sup>۴</sup> توسط مهردادینان ایرانی و بازرگانان به اروپا رفته و با اندیشه‌های افلاطون در هم آمیخت.<sup>۵</sup>

اسامی روزهای هفته با تغییرات گویشی و نوشتاری از میترائیسم، تا به امروز مشاهده می‌شود: دوشنبه (مه‌شید) از خدای ماه یا «مون»، در انگلیسی «ماندی» و در آلمانی «مونتاک»؛ سه‌شنبه (بهرام-شید) روز «تی‌ویس» و در انگلیسی «تیوزدی» و در آلمانی «دینستاک»؛ چهارشنبه (تیرشید) روز «وودین» و در انگلیسی «ونزدی» و در آلمانی «میتوخ»؛ پنجشنبه (برجیس‌شید) روز «تور» و در انگلیسی «ترزدی» و در آلمانی «دردونر» یا «دوترستاه»؛ آدینه (ناهدشید) روز خدای باروری یا «اریر» و در انگلیسی «فرای‌دی» و در آلمانی «فرات‌تاگ». شنبه (کیوان‌شید) روز کیوان یا «ساتورن» و در انگلیسی «ساتردی» و در آلمانی «سام‌تاگ»؛ یکشنبه (مهرشید) روز خورشید و در انگلیسی «سان‌دی» و در آلمانی «سون‌تاگ»، که توسط کنستانتین در سال ۳۲۱ میلادی روز خورشید (مهر) تعطیل هفتگی شد. دوازده نشانه آسمانی از یاران میترا بودند که به حواریون تبدیل شدند. محرابه‌های بسیاری در آلمان، فرانسه و روسیه به‌طور اتفاقی به هنگام مرمت کلیساها کشف شده که گویای مهرپرستی در نقاط مختلف گیتی است. مسیحیت با گرفتن مسائل و سنت‌ها و مراسم و فلسفه میترائیسم، روح دموکراتیزه شده کومون‌های اولیه، سرچشمه فرمانبرداری آن‌ها، شراره‌های خورشید و نور، افسانه تولد و چوپان‌ها و هدایا، قانون عهد و پیمان و شرافت و عمل به سوگند و حرف زده شده، قانون اخلاق و رفتار، استفاده از ناقوس

۱. لویی، گاسکه، ترجمه: جلال ستاری؛ پژوهشی در کیش و اسرار میترا، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۹۰، ص ۲۵۸.

۲. در اوستا با عنوان ایزد عهد و پیمان ذکر شده است.

۳. رضی، هاشم؛ دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۲، ص ۸۹.

۴. استانی که در حاشیه دریای سیاه بوده.

۵. رجی، پرویز؛ هزاره‌های گمشده، تهران، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸.

و شام، آب مقدس، غسل تعمید و نوازدگی به هنگام خوردن نان و شراب در مهرابه‌های میترائی، پیمان داشتن با او که در انجیل به نام «عهد جدید» آمده، تقدیس ۲۵ دسامبر و عروج، خویشتن‌داری و پرهیز، آیین آسمان و جهان نما، تفکر درباره موجدیت یافتن از ایزدان، قربانی کردن، خدمت به نزدیکان و حمایت از تمامیت جهان جسمانی، مبارزه مداوم و جاودانی بین خوبی و بدی با پیروزی خوبی بر بدی، جاودانگی روح، رستاخیز و داوری، نابودی و مرگ آتشین دنیا و هستی، تعیین‌کننده راه تمدن اروپا می‌شود. اروپایی که در آغوش تمدن یونانی - رومی با گرفتن میراث فرهنگی و مذهبی، با ریشه‌گیری و کمک دین قدرتمند قدیمی پارسی، تا به امروز مدیون میترائیسم و علوم مختلف ایرانیان است.<sup>۱</sup>

هرچند امروزه محققان معتقدند که مسیحیت غرب چارچوب اصلی خود را که به این دین پایداری و شکل بخشیده به ادیان پیش از مسیحیت روم باستان از جمله میترائیسم مدیون است و برای نمونه تقویم کلیساها و بسیاری از بقایای مراسم و جشن‌های پیش از مسیحیت به‌خصوص کریسمس را در خود نگاه داشته است، اما تعابیر و ایده‌های فرانتس کومون مبنی بر مشتق شدن میترائیسم روم از میترا در دین مزدیسنا در ایران و برخی از تعابیر او در برگرفته شدن مفاهیم مسیحیت از میترائیسم از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد توسط برخی از محققان مورد نقد و بازبینی قرار گرفته است؛ چنان‌که ریچارد گوردون باستان‌شناس و میترا پژوه، درباره پیدایش و تکامل میترائیسم رومی، چنین می‌نویسد: «آنچه منطقی به نظر می‌آید آن است که میترائیسم، دست‌کم به شکل تکامل یافته‌اش، تا پیش از اواسط قرن دوم میلادی دیگر در امپراطوری روم وجود خارجی نداشته است.»<sup>۲</sup>

از جمله دلایلی که این محقق در جهت نفی تأثیرپذیری گسترده مسیحیت از میترائیسم ذکر می‌کند این است که:

- ۱- مهرپرستان قائل به چندخداآوری و دوآلیسم یا ثنویت بودند.
- ۲- عدم حضور زن در مراسم این دین.
- ۳- جنگاوری میترا.
- ۴- به دنیا آمدن میترا از سنگ به شکل مردی بالغ.
- ۵- دیگر مناسک مربوط به این دین، رازآمیز و غیر ابراهیمی است.
- ۶- شالوده و بنیان مسیحیت، از جمله خداشناسی و دیگر تعالیم آن، به دین یهود و عهد عتیق برمی‌گردد چرا که مسیحیت دینی ابراهیمی است، درحالی‌که که میترائیسم دینی برگرفته از سنت‌ها و

۱. اولانسی، دیوید، ترجمه: مریم امینی؛ پژوهشی نو در میتراپرستی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۰، ص ۲۹۸.

۲. Sir Norman Anderson, Christianity and World Religions (Downers Grove: InterVarsity, ۱۹۸۴), ۵۲-۵۳.

اسطوره‌های شرقی است که شکل متأخر آن در روم باستان از عقاید و اسطوره‌های نوافلاطونی تأثیر پذیرفته است.<sup>۱</sup>

مرحوم دکتر پرویز رجبی در جلد چهارم کتاب هزاره‌های گمشده با اشاره به رازآلود بودن دین مغان، واژه Magic<sup>۲</sup> را برگرفته از کلمه مغ می‌داند؛ به این ترتیب که اعمال رازآلود مغ‌ها، مگیک خوانده می‌شد که این در زبان‌های لاتین به صورت Magic درآمده است و این مطلب را دلیلی بر مقابله رومی‌ها با نشانه‌های دین میتراپی پس از رواج مسیحیت می‌داند. همچنین شهادت انجیل متی مبنی بر حضور سه مغ<sup>۳</sup> در هنگام تولد مسیح را در پیوند میان تأثیرپذیری مسیحیت از میترائیسم و دگرگونی کلمه مگیک به مجیک ارزیابی می‌کند.<sup>۴</sup>

### نتیجه‌گیری

بدین ترتیب می‌توان بیان کرد که میترائیسم در اروپا چندین قرن رواج داشته و بعدها بر دین مسیحیت تأثیر به‌سزایی داشته است؛ هر دو دین در بسیاری از مبادی و عقاید اشتراکات فراوانی دارند؛ تا زمانی که مسیحیت باقی ماند و میترائیسم از بین رفت، دین میتراپی به‌طور مخفیانه و در سرداب‌ها تشکیل می‌شد و مهرابه‌ها نیز به شکل غار بنا شده و در آن دخمه‌ها مراسم اسرارآمیز آیین، برگزار می‌گردید. مراسم تطهیر و غسل تعمید نیز در هر دو مذهب مشترک بود. افروختن شمع در کلیساها، نواختن ناقوس، وجود حوضچه آب مقدس در ورودی کلیساها و سرود دسته‌جمعی به همراه نواختن موسیقی از شباهت‌های مراسم میترائیسم و مسیحیت هستند. مراسم شام آخر یا عشاء ربانی و صرف نان و شراب در دو دین مشترک بود؛ دوازده مقام میتراپی و دوازده فلک یاور میترا، به حواریون دوازده‌گانه عیسی تغییر یافتند. روز یکشنبه، مهرشید در فارسی به نام روز خورشید؛ چنانکه از نام آن پیداست روز ویژه مهرپرستان بود که در مسیحیت نیز به همین شکل است؛ رهبانیت و ریاضت در دین میترا وجود داشت و به مسیحیت نیز راه یافت. مسیح و مهر هر دو در رستاخیز ظهور نموده و اعمال انسان‌ها را داوری می‌کنند؛ اعتقاد به

۱. Ibid.

۲. مؤلف: البته شاید کسانی که به این موضوع می‌اندیشند که مسیحیت دینی صرفاً ابراهیمی و برگرفته از عهد عتیق و دین یهود می‌باشد، به موضوع اسارت بابلی و برگرفتن برخی و شاید بسیاری از مسائل دینی یهودیت، از دین باستانی ایران بی‌توجه باشند؛ درحالی‌که امروزه موضوع اسارت بابلی و آزادی قوم یهود توسط کوروش کبیر از اسارت، در اقصی نقاط جهان و به‌خصوص یهودیان جهان امری کاملاً پذیرفته شده می‌باشد.

۳. در زبان انگلیسی مجیک و به فرانسوی ماژیک تلفظ می‌شود.

۴. Magi

۲. رجبی، پرویز؛ هزاره‌های گمشده، تهران، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۴، ص ۹۱.

روح، جاودانگی و قیامت از موارد مشترک بوده؛ همانگونه که مهر میانجی میان خداوند و بشر است، مسیح نیز واسطه خدا و انسان است؛ گفته می‌شود نشان هلال ماه بالای هفت شاخه شمعدان در برخی از کلیساها مؤید این نظریه است، از آن‌رو که ماه در دین میترا نقش نمادین مهمی دارد؛ مقام هفتم از آیین میترا مقام پدر پدران است که به دین مسیح راه یافته و کشیشان پدران مقدس و پاپ پدر پدران نام گرفتند. مهر در برج حمل، بره به دوش دارد و عیسی نیز بره‌ای در آغوشش گرفته است. سرانجام روز تولد مهر یا خورشید شکست ناپذیر، همان روز انقلاب زمستانی در روم، ۲۵ دسامبر بود که در سده چهارم میلادی روز میلاد مسیح تعیین شده و به عید کریسمس شهرت یافت.

امروزه محققان معتقدند که مسیحیت غرب چارچوب اصلی خود را که به این دین پایداری و شکل بخشیده به ادیان و مذاهب پیش از مسیحیت روم باستان از جمله میترائیسم مدیون است و برای نمونه تقویم کلیساها، بسیاری از بقایای مراسم و جشن‌های پیش از مسیحیت به‌خصوص کریسمس را در خود نگاه داشته است.

### منابع فارسی

- اولانسی، دیوید، ترجمه: مریم امینی؛ پژوهشی نو در میتراپرستی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- دوستخواه، جلیل؛ *اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۹۱.
- رضی، هاشم؛ پژوهش‌هایی در تاریخ و آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۱.
- رضی، هاشم؛ *ادیان بزرگ جهان*، تهران، انتشارات آسیا، ۱۳۴۴.
- رضی، هاشم؛ *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- رجبی، پرویز؛ *هزاره‌های گمشده*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۴.
- ساموئل، نینبرگ، ترجمه: سیف‌الدین نجم‌آبادی؛ *دین‌های ایران باستان*، تهران، ۱۳۵۹.
- شورتهایم، المار، ترجمه: نادرقلی درخشانی؛ *گسترش یک آیین ایرانی در اروپا*، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۷.
- کومن، فرانتس، ترجمه: هاشم رضی؛ *آیین پر رمز و راز میتراپی*، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۰.
- لویی، گاسکه، ترجمه: جلال ستاری؛ *پژوهشی در کیش و اسرار میترا*، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۹۰.
- ناس، جان بایر، ترجمه: علی اصغر حکمت؛ *تاریخ جامع ادیان*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ورمازن، مارتین، ترجمه: بزرگ نادرزاده؛ *آئین میترا*، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۲.
- ویلیام جیمز، دورانت، جمعی از مترجمان؛ *تاریخ تمدن*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.

### منابع انگلیسی

- Christianity In *Britannica Encyclopædia*. Retrieved June ۲۰۰۸, from Encyclopædia Britannica online.
- Ernest Renan, *The History of the Origins Christianity*, Matieson & Company, London, ۱۸۷۵.
- Gh. Gnoli, "Sol Persice Mithra," in U. Bianchi, ed., *Mysteria Mithrae*, Leiden, ۱۹۷۹.
- Mithraism In *Britannica Encyclopædia*. Retrieved June ۲۰۰۸, from Encyclopædia Britannica online.
- Mithrai. Mitra in old Indian & Mithra in old Iranian. Retrieved June ۲۰۰۸, from Encyclopædia Britannica online.

تأثير مهرپرستی بر مسیحیت □ ۱۶۳

- N Sims – Williams, “Fitudes mithraques”, Cambridge University Press, ۱۹۷۹.
- Religion. History The survival of Roman religion In *Britannica Encyclopædia*. Retrieved December ۲۰۰۸, from Encyclopædia Britannica online.
- Sir Norman Anderson, *Christianity and World Religions*, Downers Grove: InterVarsity, ۱۹۸۴.